

تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات

دکتر حمیدرضا محمدی^۱، طاهره میرزایی پور^۲ و رضا حسین پور پویان^۳

چکیده

مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی حوضه دجله و فرات همانند سایر حوضه‌های هیدروپلیتیک خاورمیانه با مشکلاتی بر سر آب و مدیریت آن روبه‌رو است. اما در این مقاله تحلیل مجموعه امنیتی هیدروپلیتیک دجله و فرات بیش از آنکه از زوایه تقسیم آب بین کشورهای مجموعه بررسی و تحلیل شود، از دیدگاه امنیتی و چالش‌های ناشی از سهم‌بری آب بر وضعیت ژئوپلیتیکی و مناسبات بین سه کشور ترکیه، سوریه و عراق مورد پژوهش قرار گرفته است. براساس دستاوردهای این پژوهش هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات بیشتر تحت تأثیر مسائلی نظیر: هیدروپلیتیک امنیتی ترکیه، سوریه و عراق، طرح‌های توسعه‌ای آبی از جمله پروژه گاپ، کردهای جنوب خاوری آناطولی، سیاست‌های آبی دوگانه و متناقض سوریه، مسئله مدیریت آب در کشورهای مجموعه، و در آخر دلایل ناکامی آنها در رسیدن به توافق در راستای همکاری و همگرایی هیدروپلیتیک امنیتی حوضه دجله و فرات است. نتیجه این پژوهش بیان‌کننده چرایی پیچیدگی تقسیم آب و چالش‌های سیاسی و امنیتی ناشی از آن در بین سه کشور است، تصور چشم‌اندازی روشن برای این مجموعه امنیتی را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

کلیدواژگان: هیدروپلیتیک، حوضه دجله و فرات، امنیت.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

۳. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

قرن بیستم شاهد تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تشکیل امپراتوری‌ها و رژیم‌های مستبد ضداستعماری و متکی به خود بود. یکی از نتایج آن تقسیم بسیاری از رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و حوضه‌های آبی مشترک بین دو یا چند کشور شد. کشورهای این حوضه‌ها معمولاً در دوره‌ای از روابط سیاسی خود سطحی از تنش را تجربه کرده‌اند. کشمکش‌های آینده بر سر منابع آب وضعیت مشخصی ندارد. با این حال ناامیدکننده هم نیست. بهره‌برداری از منابع آب به ویژه در خاورمیانه شاخصه‌های ویژه‌ای همانند مقدار کمبود، اندازه و اهمیت منابع مشترک با دیگر کشورها، قدرت نسبی کشورهای حوضه (سیاسی) و دسترسی به منابع جایگزین آب شیرین، را به نمایش می‌گذارد.

هیدروپلیتیک خاورمیانه سیاست انعطاف‌ناپذیر و سختگیرانه‌ای را به کشورهای پایین‌دست رودخانه‌ها تحمیل می‌کند. رفتار ترکیه با کشورهای پایین‌دست خود شاهد خوبی برای این مورد است. به گونه‌ای که تصور سوریه و عراق از انگیزه ترکیه برای تسلط بر آب‌های دجله و فرات، دستیابی به سلاحی است که بتواند سوریه و عراق را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار دهد. اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نگرانی‌های امنیت زیست‌محیطی کشورهای این حوضه، مهمترین دلیل بالقوه کشمکش‌های موجود است. هرچند ممکن است آب در آینده نزدیک منجر به جنگ نشود، اما کمبود آب بیشتر از سایر مسائل بین‌المللی در دستور کار قرار خواهد داشت.

پژوهش حاضر در جهت پاسخ به این پرسش‌ها که هیدروپلیتیک امنیتی حوضه دجله و فرات چگونه بر مناسبات میان کشورهای اطراف این حوضه تأثیرگذار است و مهمترین عوامل تأثیرگذار بر پیچیدگی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات چیست؟ انجام گرفته است. جهت پاسخ به این پرسش‌ها سه فرض مبنا قرار داده شده است. ۱. نتیجه تقابل یا همکاری بین کشورها در حوضه هیدروپلیتیک دجله و فرات بیشتر تابع قدرت ملی کشورها است؛ ۲. به نظر می‌رسد امنیت مشترک زمینه‌های لازم برای همکاری سه کشور ترکیه، سوریه عراق را فراهم سازد؛ ۳. موضوع کردهای جنوب خاور ترکیه و سیاست‌های دوگانه سوریه در حمایت از آنها، پیچیدگی امنیتی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات را افزایش داده است.

طرح موضوع

اهمیت روزافزون آب در ژئوپلیتیک، باعث افزایش کشمکش‌های بالقوه بین کشورها بر سر منابع آبی مشترک شده است. در دو دهه گذشته تعداد حوضه رودخانه‌های بین‌المللی از ۲۱۴ به ۲۶۱ حوضه بین‌المللی افزایش و در حال حاضر ۹۰ درصد از مساحت ۳۹ کشور در حوضه‌های بین‌المللی قرار گرفته است. افزون بر حوضه دجله و فرات که بین ۶ کشور مشترک است، ۱۷۶ کشور دیگر نیز در دو رودخانه حوضه مشترک دارند. ۳۶ درصد از مساحت ترکیه و ۷۳ درصد از مجموع مساحت سوریه و عراق در حوضه مشترک دجله و فرات قرار گرفته است (ولف، ۱۹۹۹: ۳). از آنجایی که منابع محیطی (مانند آب، نفت، گاز و غیره) از مرز سیاسی بین کشورها تبعیت نمی‌کنند. کشورها برای حفاظت و مدیریت منابع مرزی مشترک در جستجوی سازوکارهای حقوقی هستند. اما قوانین بین‌الملل درباره نحوه سهمیه‌بندی آب‌های مشترک فرامرزی به لحاظ حقوقی فاقد ضمانت اجرایی هستند (گزارش مؤسسه بین‌المللی صلیب سبز، ۲۰۰۰: ۱۶). یکی از این مناطق که کانون خطر به حساب می‌آید، حوضه رودخانه‌های پرآب دجله و فرات است که همانند سایر حوضه‌های آبی خاورمیانه با مشکل مدیریت علمی آب روبه‌رو است. موقعیت رودخانه‌های دجله و فرات به گونه‌ای است که کمترین سازگاری را با مرزهای ملی و/یا با ملاحظات و علایق سیاسی و استراتژی کشورهای منطقه دارد (حب‌وطن، ۱۳۸۲: ۲). به طور اجمال، رودخانه‌های مشترک را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد، الف- رودخانه‌هایی که از یک کشور سرچشمه می‌گیرند و بعد وارد یک یا چند کشور دیگر می‌شوند که رودخانه‌های دجله و نیل از آن جمله‌اند. گروه دوم رودخانه‌هایی که از یک کشور سرچشمه می‌گیرند و تنها در قسمتی از مسیر خود مرز دو کشور را می‌سازند و دوباره وارد کشور نخست می‌شوند. گروه سوم رودخانه‌هایی هستند که ترکیبی از ویژگی دو گروه اول را دارند. رودخانه فرات را به نوعی می‌توان جزو این گروه هم به حساب آورد (گلدیش و دیگران، ۲۰۰۶: ۲۶۴).

از سال ۱۹۸۳ که ترکیه پروژه توسعه جنوب‌خاور آناتولی (گاپ) را آغاز نمود، تنش بین این کشور با سوریه و عراق بیشتر شد (بشورنر، ۱۹۹۲: ۷۱).

حجم آبی که برای بهره‌برداری در آینده از رودخانه‌های دجله و فرات از سوی ترکیه، عراق و سوریه برنامه‌ریزی شده، از ظرفیت این دو رودخانه بیشتر است. از این رو، باید هرچه سریع‌تر یک سامانه توزیع آب در منطقه برقرار و از طریق راه‌حل‌های فنی و مدیریت علمی و پایدار به

این اختلافات پایان داد، در غیر این صورت، این مسئله منشاء تنش‌های بیشتری بین این کشورها خواهد بود. از طرف دیگر، کاربرد مشترک این منابع می‌تواند بستری برای تحقق همکاری‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای باشد.

مسلم است که چشم‌اندازهای امنیتی کشورها، دارای مؤلفه‌های پیچیده‌ای است که ریشه در جغرافیای امنیتی کشورها دارد؛ بنابراین، ارزیابی و تحلیل نقش و جایگاه هیدروپلیتیک در روابط بین سه کشور ترکیه، عراق و سوریه، تنها به عنوان یک متغیر و در عین حال تأثیرگذار بر سایر عوامل مؤثر در امنیت ملی و مناسبات کشورهای این حوضه، در پژوهش حاضر مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

روش پژوهش

روش کار در این پژوهش توصیفی-تحلیلی محتواسست و جهت آزمون و ارزیابی فرضیات، به‌طور مشخص از روش پژوهش همبستگی کیفی استفاده شده است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است. بر همین اساس، جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارزیابی فرضیات، مصادیق کتابخانه‌ای به عنوان معیار و ملاک بررسی موضوع قرار گرفته است.

روند تحول هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک، علم جوانی است که در یک دوره زمانی کوتاه به وسیله پژوهشگران مختلفی پایه‌گذاری شد و به عنوان زمینه پژوهشی مشترک از سوی محققین رشته‌های جغرافیا، علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت منابع آب و غیره مطالعه شد.

گرچه واژه هیدروپلیتیک می‌تواند از زمان نخستین مناقشه بشر در مورد منابع آب به وجود آمده باشد، اما نخستین بار به صورت رسمی توسط پژوهشگری به نام جان واتربوری در سال ۱۹۷۹ در کتابی به نام "هیدروپلیتیک دره نیل" استفاده شد. واتربوری در این کتاب سیاست‌های استفاده از منابع آب رودخانه نیل توسط کشورهای اطراف آن در گذشته و حال را مورد بررسی قرار داده است. هر چند با وجود کتاب مشهور واتربوری، به نظر می‌رسد که هیدروپلیتیک تنها در سال‌های اخیر در زمینه مطالعات امنیت ملی و روابط بین‌المللی گسترش یافته باشد.

هیدروپلیتیک از اواخر دهه ۱۹۸۰، زمینه اصلی پژوهشی محققین و افرادی شده است که در زمینه کمبود منابع آب فعالیت می‌کنند (لوی، ۱۹۹۳: ۱۵۳-۱۵۴).

با مطالعه تقابل و همکاری بین کشورهای پیرامون منابع آبی مشترک می‌توان گفت که هیدروپلیتیک ارتباط بین کشورها، منابع آبی مشترک، زیرساخت‌های قانونی منابع آبی مشترک و عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که این کشورها را می‌تواند به سمت تقابل یا همکاری سوق دهد، بررسی می‌کند. برخی معتقدند که آب در سده ۲۱ همان نقشی را بازی خواهد کرد که نفت در سده گذشته بازی کرده است. پاستل بیان می‌گوید ایجاد نظام نوینی برای استفاده از منابع آب، نه تنها به دلیل ضرورت‌های اکولوژیکی، بلکه به دلیل نقش اساسی آن در امنیت ملی کشورها و صلح در جهانی که منابع آن محدود است، ضرورت دارد (پاستل، ۱۹۹۲: ۸۶-۷۳).

افزون بر آن، برخی از پژوهشگران هیدروپلیتیک را مطالعه نظام‌مند تقابل و همکاری بین کشورهای می‌دانند که منابع آب آنها از مرزهای بین‌المللی فراتر می‌رود. این تعریف که نخستین بار توسط یک پژوهشگر جغرافیای سیاسی به نام آرون الهنس در سال ۱۹۹۹ در کتابی به نام هیدروپلیتیک در جهان سوم: تقابل و همکاری در حوضه‌های رودخانه‌های بین‌المللی به کار گرفته شد بیشتر از هر تعریف دیگر مورد توافق پژوهشگران قرار گرفته است. این توافق از تعداد رو به رشد مقاله‌ها و کتاب‌هایی که با همین موضوع‌ها چاپ می‌شوند قابل اثبات است. موری (۱۹۹۴) نیز از واژه هیدروپلیتیک برای تشریح تنش‌های ناشی از رقابت بین کشورها بر روی منابع آب استفاده کرد. تروسیه در سال ۱۹۹۹ در پایان‌نامه دکتری خود از واژه هیدروپلیتیک استفاده مشابهی کرده است و آن را برای نشان دادن تنش‌های ناشی از سیاست منابع آب در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه به کار برد (پیتمن ۲۰۰۴: ۱۰-۷).

تورتون در کتاب هیدروپلیتیک در کشورهای در حال توسعه بیان می‌کند که با تمام پیشرفت‌هایی که در این علم صورت گرفته است، اما هنوز ابهاماتی در مورد استفاده از برخی مفاهیم وجود دارد. وی همچنین معتقد است که هیدروپلیتیک در حال ظهور به عنوان یک علم و راهبرد ویژه است که تا حد زیادی ناشی از افزایش آگاهی در مورد مسایل مرتبط با آب و رشد آگاهی در مورد مسایل زیست‌محیطی به وسیله کشورهای توسعه‌یافته است. به همین دلیل تلاش‌های بیشتری برای شفاف‌سازی این مفاهیم ضروری است (تورتون، ۲۰۰۲: ۱۳).

مجتهدزاده (۱۳۸۱) در تعریف خود از هیدروپلیتیک معتقد است این دیدگاه ویژه به مطالعه اثر

تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیری‌های سیاسی در روابط میان کشورها با یکدیگر یا روابط میان دولت‌ها و مردم، حتی در یک کشور می‌پردازد. کمبود آب یا اجازه عبور آب از مرزهای بین‌المللی به گونه‌ای روزافزون در روابط سیاسی دولت‌ها و ملت‌های خود و روابط کشورها با یکدیگر اثر می‌گذارد. دینار (۲۰۰۲) با رویکردی دیگر هیدروپلیتیک را سیاست آب، که به‌طور چشمگیری مرتبط با امنیت ملی و بین‌المللی است، می‌داند. وی همچنین تعهد و پایبندی دولت‌ها به توافقنامه‌های مربوط به آب‌های مشترک فرامرزی را به هیدروپلیتیک و دیدگاه امنیتی این کشورها مرتبط می‌سازد.

مدیریت آب‌های فراملی موضوع پیچیده‌ای است که انتظار می‌رود هیدروپلیتیک بتواند این پیچیدگی را نشان دهد. ابهام در مفاهیم و عدم انسجام در تعاریف هیدروپلیتیک مهمترین مسئله در درک روشن از تعریف، موضوع و مقیاس هیدروپلیتیک است. برای مثال، در یکی از معدود تعاریف هیدروپلیتیک، الهنس به تحلیل نظام‌مند کشمکش و همکاری بین کشورها در رابطه با آب‌های فراملی توجه خاصی نشان داده است. بر اساس تعریف وی، بحث هیدروپلیتیک درباره سه موضوع زیر است:

الف. کشمکش و همکاری؛

ب. کشورهای درگیر به عنوان بازیگران اصلی؛

پ. قرارگیری در حوضه رودخانه‌های مشترک فراملی.

میسر نیز در تعریف خود از هیدروپلیتیک معتقد است هیدروپلیتیک تحلیل نظام‌مند اثر متقابل رفتار دولت‌ها و بازیگران غیردولتی و نیز گروهی از کشورهای ذینفع با انگیزه کسب قدرت و یا بهره‌برداری از آب‌های ملی یا فراملی است. بر اساس تعریف وی، مباحث هیدروپلیتیک درباره چهار موضوع زیر است:

الف. ارزیابی کنش‌های متقابل بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی؛

ب. کشورها و نهادهای غیردولتی ذینفع؛

پ. شیوه استفاده از منابع آب؛

ت. منابع آبی با خاستگاه ملی یا فراملی که اشاره به گونه خاصی از حاکمیت دارد. (تورتون، ۲۰۰۲: ۱۹-۱۳).

سیمای جغرافیایی حوضه دجله و فرات

خاورمیانه در منطقه گذار میان آب‌وهوای استوایی و عرض‌های متوسط قرار گرفته است، از این رو یکی از خشک‌ترین مناطق جهان است. در سراسر این منطقه شرایط آب‌وهوایی یکسانی حاکم نیست که می‌توان آن را تابعی از موقعیت جغرافیایی این منطقه دانست. بارش سالانه خاورمیانه به دو عامل بستگی دارد، نخست نزدیکی به منبع اصلی رطوبت مانند دریای مدیترانه، دریای سیاه و دریای خزر و دوم ارتفاع جغرافیایی. در خاورمیانه مناطق با بارش سالانه بیش از ۶۰۰ میلی‌متر، بسیار کم است. این مناطق به چند کمربند ساحلی باریک متصل به رشته‌کوه‌ها محدود می‌شود. مهمترین آن سواحل شمالی دریای سیاه، سواحل جنوبی دریای مدیترانه و کناره‌های دریای خزر است. که سالانه بیش از ۱۰۰۰ میلی‌متر بارندگی دارند. از سویی در برخی از قسمت‌های حوضه دجله و فرات بارندگی سالانه بسیار ناچیز است، به طوری که در میانه تابستان دما به حدود ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد و به هنگام روز رطوبت نسبی کمتر از ۱۵ درصد است. در نتیجه، تبخیر در حوضه این دو رودخانه، به ویژه در تابستان، بسیار بالا است (دولتیار و گری، ۲۰۰۰: ۱۱۹). قسمت‌های وسیعی از سرزمین عراق (به جز قسمت شمالی) و بخش‌های وسیعی از کشور سوریه (به جز حاشیه مدیترانه) بارندگی اندکی دارند، به طوری که میانگین بارندگی سالانه در عراق (به جز مناطق شمالی و شمال‌خاور)، حدود ۱۰۰ تا ۱۷۰ میلی‌متر است. از این‌رو نیاز آبی این سرزمین‌ها وابسته به رودخانه‌هایی است که از مناطق کوهستانی ترکیه سرچشمه می‌گیرند. به همین خاطر پافشاری هر کدام از سه کشور ترکیه، عراق و سوریه برای کنترل بیشتر منابع آب با ساخت سد در مسیر دجله و فرات به افزایش تنش میان آنها منجر می‌شود (دولتیار و گری، ۲۰۰۰، ۱۲۰).

سرچشمه رودخانه‌های دجله و فرات از ارتفاعات ۳۰۰۰ متری کوه‌های شمال‌خاوری فلات آناتولی ترکیه آغاز می‌شود. سرچشمه‌ها این دو رود به ندرت بیش از ۳۰ کیلومتر از یکدیگر فاصله دارند. رودخانه دجله از بلندی‌های جنوب آناتولی در ترکیه سرچشمه می‌گیرد. اما بخش قابل توجهی از آب آن از شاخه‌های فرعی در عراق تأمین می‌شود. دجله با درازای ۱۹۰۰ کیلومتر، دومین رودخانه بزرگ در جنوب باختر آسیا است. در حدود ۲۰ درصد از رودخانه دجله در ترکیه، حدود ۷۸ درصد در عراق و تنها ۲ درصد از آن در سوریه (گوشه شمال‌خاوری

آن) قرار دارد که مسافتی در حدود ۳۲ کیلومتر را در مرز سوریه و ترکیه طی می‌کند. از این رو، سوریه مدعی فراملی دانستن دجله است (کلارز و میشل، ۱۹۹۱: ۳-۸).

فرات با ۲۷۰۰ کیلومتر درازا، طولانی‌ترین رودخانه جنوب‌باختر آسیا است. نزدیک به ۴۰ درصد از مسیر آن در خاک ترکیه، ۲۵ درصد آن در سوریه و ۳۵ درصد آن در خاک عراق واقع شده است. حجم آورد سالانه آب فرات حدود ۳۰ میلیارد مترمکعب در سال به هنگام ورود آن به مرز سوریه - ترکیه است که با افزوده شدن شاخه‌های دیگری به آن در خاک سوریه مانند شاخه‌های بلیخ و خابور، حجم آب آن به حدود ۳۲ میلیارد مترمکعب در مرز سوریه-عراق می‌رسد. در عراق نیز شاخه‌های دیگری به این رودخانه می‌پیوندند و در نتیجه حجم آب آن را افزایش می‌دهد (کلیوت، ۲۰۰۵: ۸۸-۸۷).

سهم کشورهای پیرامون دجله و فرات در فراهم‌آوری آب این رودخانه‌ها

ترکیه، عراق و سوریه سه کشوری هستند که در پیرامون حوضه فرات قرار دارند. در این میان ۹۸/۶ درصد از آب فرات از کوه‌های ترکیه و ۱/۴ درصد از کوه‌های سوریه سرچشمه می‌گیرد. میزان آورد آب به فرات توسط ترکیه ۳۲/۲ میلیارد مترمکعب و سوریه ۰/۵ میلیارد مترمکعب است. گرچه عراق نقشی در تأمین آب فرات ندارد، اما ۴۰ درصد از حوضه آن در این کشور قرار دارد که خود نشان‌دهنده میزان وابستگی عراق به آب فرات است. با توجه به نقش ترکیه در تأمین آب فرات، این کشور ادعای گسترش طرح‌های آبی و استفاده بیشتر از فرات را دارد. اما داستان در دجله به گونه‌ای دیگر است. ترکیه، ایران، سوریه و عراق کشورهای پیرامون دجله را تشکیل می‌دهند. بیشترین مقدار آب دجله از کوه‌های ترکیه سرچشمه می‌گیرد که ۷۸/۱ درصد آن را تشکیل می‌دهد که سالانه در حدود ۶۵/۷ میلیارد مترمکعب است. ایران نقشی مهمی در تأمین آب دجله دارد و در حدود ۱۳/۳ درصد آب این رودخانه از رشته‌کوه زاگرس سرچشمه می‌گیرد. ۱۹ درصد از مساحت دجله در ایران قرار دارد که بعد از عراق و ترکیه در رتبه سوم قرار دارد (کی‌باروقلو، ۲۰۰۲: ۱۶۵-۱۶۶).

مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی ترکیه، سوریه و عراق

در این پژوهش هیدروپلیتیک ترکیه، سوریه و عراق با نگاه امنیتی و با استفاده از چهارچوب پیشنهاد شده توسط مجموعه امنیت منطقه‌ای بوزان صورت می‌گیرد. مجموعه امنیتی پیشنهاد شده از سوی وی در واقع مجموعه واحدی (معمولاً از کشورها) است که فرایند امنیت‌سازی و ناامن‌سازی، برای این گروه از کشورها در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند و مشکلات امنیتی آنها نمی‌تواند جدا از دیگری تحلیل یا برطرف شود. در این نگاه، امنیت‌سازی شامل دفع تهدید در هر یک از بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که اثرات سیاسی پایداری را به وجود می‌آورد (تورتون، ۲۰۰۱: ۲-۴). گرچه همسایگی جغرافیایی لزوماً عامل ایجاد نوعی وابستگی بین همسایه‌ها برای به وجود آمدن یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیست، اما نزدیکی جغرافیایی در به وجود آمدن این نوع مجموعه‌ها مهم است (کاسکی، ۲۰۰۵: ۳). مجموعه‌های امنیتی با سطوح متفاوتی از قدرت مانند مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی ترکیه با سوریه و عراق، مجموعه امنیتی سیاسی آمریکا با پاکستان، در سطح قوی-ضعیف و آمریکا-فرانسه در سطح قوی-قوی نمونه‌های خوبی برای مجموعه‌های امنیتی است. در ارتباط با مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی اگر کشور بالادست رودخانه، قوی‌تر از کشورهای پایین دست باشد، رسیدن به توافق سخت می‌شود. موقعیت ترکیه در برابر سوریه و عراق این گونه است. اما اگر کشور قوی‌تر در پایین دست رودخانه باشد، در مذاکرات آب، دیپلماسی قدرتمندتری دارد. مصر در برابر هشت کشور بالادست حوضه رودخانه نیل نمونه خوبی برای این حالت است. لازم به گفتن است که گرچه ترکیه و مصر در معادلات جهانی چندان تأثیرگذار نیستند، اما برتری آنها در منطقه خود بر معادلات منطقه‌ای بسیار اثرگذار است.

شولز با استفاده از تئوری بالا، مفهوم مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی را در زمینه حوضه رودخانه‌های دجله و فرات گسترش داد. تعریف وی از مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی شامل آن دسته از کشورهایی است که از نظر جغرافیایی مالک و از نظر فنی استفاده‌کننده بخشی از رودخانه مشترک هستند به بیان دیگر گروهی از کشورها که ملاحظات هیدروپلیتیک ابتدایی آنها چنان به یکدیگر مرتبط است که هیدروپلیتیک ملی آنها را نمی‌توان به درستی از یکدیگر جدا

1. Hydro political Security Complex

ساخت (تورتون، ۲۰۰۱: ۷-۸).

ترکیه و هیدروپلیتیک امنیتی

پروژه توسعه جنوب خاور آناتولی (گاپ)

منشاء اصلی تنش بین سه کشور ترکیه، سوریه و عراق بر سر دو رودخانه دجله و فرات، پروژه توسعه جنوب خاور آناتولی (گاپ) است. گاپ مهمترین پروژه تولید نیروی برق آبی و برنامه توسعه آبیاری در حوضه دجله و فرات است. این پروژه عظیم شش استان ترکیه به نام‌های دیاربکر، آدی‌یامان، گازیانتپ، ماردین، سانلی‌اورفا و سیرت را در جنوب خاور کشور دربر می‌گیرد. این شش استان مساحتی در حدود ۷۴ هزار کیلومترمربع (۹/۵ درصد از خاک ترکیه) را پوشش می‌دهد. پروژه گاپ شامل ۲۲ سد، ۲۵ پروژه آبیاری و ۱۹ نیروگاه برق آبی است. این پروژه به ۱۳ زیر مجموعه اصلی تقسیم می‌شود. ۷ پروژه از این مجموعه بر روی رودخانه فرات و ۶ پروژه بر روی دجله قرار دارد (سایت وزارت امور خارجه ترکیه، پروژه آناتولی^۱، ۲۰۰۹). تمرکز اصلی پروژه گاپ نخست بر تاسیسات برق آبی و سپس طرح‌های آبیاری بوده، اما در سال‌های اخیر این پروژه به عنوان یک برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ای بازتعریف شده است. در این بازتعریف، با توجه به این که توسعه اقتصادی این منطقه نسبت به باختر ترکیه ناچیز است، به لزوم تغییر جنوب آناتولی از یک منطقه عقب‌مانده به یکی از مناطق موفق اجتماعی و اقتصادی تأکید شده است. در حقیقت این تغییر نشان‌دهنده نگرانی‌های امنیت بین‌المللی ترکیه در رابطه با اتحادیه اروپا و موضوع کردها است (کارکوقلو و مین ادر، ۲۰۰۰: ۴۷-۴۲).

امنیت در جنوب آناتولی - موضوع کردها

درگیری ترکیه با "مسئله کردها" در برخوردهای ستیزه‌جویانه بین کردهای شورشی و دولت ترکیه یک مسئله شناخته شده بین‌المللی است. با وجود موفقیت ترکیه در سرکوب این شورش‌ها، در نهایت به نوعی به ضرر وجهه بین‌المللی این کشور تمام می‌شود. کردها در ۵۰ درصد از منطقه گاپ ساکن هستند. مهمترین حزب سیاسی کردها پ.ک.ک یا حزب کارگران کردستان است. ترکیه این حزب را به عنوان سازمان تروریستی می‌شناسد. از نظر ترکیه موضوع

1. <http://www.gap.gov.tr/English/Ggbilgi /ghedef.html> 2009.

کردها بیشتر از نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی به طور مستقیم در ارتباط با امنیت سیاسی ترکیه در منطقه گاپ است. دولت ترکیه حاضر نیست هویت و فرهنگ مردم کرد را به رسمیت بشناسد. در نتیجه این احساس را در این قوم به وجود آورده که در معرض تهاجم فرهنگ ترک قرار گرفته‌اند. این نگرانی ناشی از رفتار بسیار اهانت‌آمیز ترکیه با هویت کردها نیز است. برای مثال استفاده از واژه "ترک‌های کوهستان"^۱ برای مردم کرد و مشابه این نوع برخوردها در نادیده انگاشتن فرهنگ و هویت مستقل آنها برای کردها بسیار آزاردهنده است. این نوع برخورد با کردها امروزه "سکولاریسم آتاتورک" شناخته می‌شود (کیرسی، ۱۹۹۸: ۲۸۰-۲۷۵).

کردها تا سال ۲۰۲۰ بزرگترین اقلیت قومی ترکیه خواهند بود.^۲ از این رو ترکیه به خاطر ترس از پافشاری کردها به جدایی‌طلبی، آنها را تهدیدی جدی برای امنیت ملی خود می‌داند. با توجه به حساسیت‌های فرهنگی بین ترک‌ها و کردها، توافق و همکاری بین این دو گروه بعید به نظر می‌رسد (طاهری، ۲۰۰۳: ۵-۱).

ترکیه در سال ۱۹۸۹ سعی کرد از راه سازماندهی دوباره پروژه گاپ مانند تغییرات سازمانی در تشکیلات این پروژه و بازتعریف نقش دولت در منطقه، در رابطه با مسئله کردها و عقب‌افتادگی اجتماعی اقتصادی مناطق کردنشین امنیت منطقه‌ای در جنوب آناتولی به وجود آورد. برای ترکیه آشکار بود که فقر اقتصادی و نابرابری در توزیع زمین از مهمترین عوامل تحریک کردها به شورش است. اجرای طرح‌های گاپ در سال ۱۹۸۴ همزمان با آغاز درگیری‌های مسلحانه بین نیروهای پ.ک.ک و دولت ترکیه بود. بیشترین نگرانی کردها از پروژه گاپ به خاطر ترس از هضم و جذب شدن در جامعه ترک‌ها است. آنها مخالف جابجایی اجباری از سرزمین خود به سایر شهرها هستند. در سال ۱۹۹۰، ۲۱۰ هزار نفر در بیش از ۳۰۰ شهر و روستا به دلیل پرشدن مخازن سدهای کبان، کاراکایا و آتاترک مجبور به مهاجرت شدند. ترکیه با این هدف که اجرای پروژه گاپ، اوضاع نابسامان منطقه‌ی کردنشین ترکیه را بهبود خواهد بخشید، بر اجرای کامل طرح‌های این پروژه اصرار داشت. مسئله اجبار کردها به مهاجرت برای آنها با نوعی احساس

1. Mountain Turks

۲. کردها در سال ۱۹۹۰، ۱۳/۸ میلیون نفر بودند که ۲۵ درصد از جمعیت ترکیه را شامل می‌شد. در سال ۲۰۰۰، جمعیت آنها به ۱۹ میلیون نفر (۲۹ درصد) رسید و در سال ۲۰۲۰ جمعیت آنها به ۳۲/۸ میلیون یا ۳۸ درصد از جمعیت ترکیه خواهد رسید (www.globalsecurity.org, 2008).

ترک زادگاه و درهم شکسته شدن قومیت و هویت تاریخی به منظور افزایش قدرت دولت مرکزی همراه بود (آدامز، ۲۰۰۲: ۳۷).

موضوع کردها در ترکیه ارتباط بسیار نزدیکی با امنیت و وجهه ترکیه در سطح بین‌الملل دارد. در این باره می‌توان دو عامل مهم را در رابطه با امنیت آب و وجهه بین‌المللی ترکیه به روشنی دید. نخست جهت‌گیری سیاست‌های ترکیه در رابطه با موضوع کردها، به ویژه تأثیر نگاه غرب به تاریخچه حقوق بشر در ترکیه است.

دوم آنکه ترکیه برای بالا بردن وجهه ملی در داخل کشور سرسختانه مدعی است که این کشور "گهواره تمدن" منطقه است و از طرف دیگر تلاش می‌کند تا مردم ترکیه را متقاعد سازد که اجرای پروژه‌های آب در جنوب‌خاور آناتولی، اقتصاد کشور را متحول خواهد ساخت. ترکیه، حفظ وجهه، غرور ملی و توان فی‌خود را در چارچوب موفقیت گاپ می‌بیند. و از این جهت آنرا مهم می‌داند که اقتصاد بیمار جنوب احیا شود تا بتواند موضوع کردهای پ.ک.ک را از این راه به نوعی حل کند. (بردال، ۲۰۰۱: ۸۰-۷۲).

هیدروهمزومنی ترکیه

بر اساس زی‌تون و وارنر (۲۰۰۶)، هیدروهمزومنی، همزومنی در حوضه یک رودخانه است که از طریق استراتژی کنترل منابع آب ایجاد می‌شود. این استراتژی‌ها از طریق تاکتیک‌هایی مانند تهدید و فشار، قراردادهای و ساخت‌وساز تأسیسات زیربنایی اجرا می‌شود و با توجه به ضعف نهادهای بین‌المللی، کشور قوی‌تر را قادر به استفاده از آب بیشتری می‌سازد. کشورهای پایین‌دست رودخانه‌های فرامرزی مانند عراق و مصر به دلیل جریان آرام رودخانه و وجود دشت‌های آبرفتی حاصل‌خیز جزو نخستین کشورهای سهم در آن حوضه در ایجاد تأسیسات زیربنایی برای استفاده از آب رودخانه هستند. اما زمانی که کشورهای بالادست شروع به ایجاد تأسیسات زیربنایی برای استفاده از آب رودخانه‌های فرامرزی می‌کنند، در کشورهای پایین‌دست نگرانی از بابت "بستن شیرآب" توسط کشورهای بالادست به وجود می‌آید. در نتیجه کشورهای پایین‌دست، در جهت ایجاد فشار به کشور صاحب قدرت در آن حوضه، با همدیگر ائتلاف می‌کنند. ائتلاف عراق-سوریه در برابر ترکیه مثالی از آن است (زی‌تون و وارنر، ۲۰۰۶: ۴۳۵-۴۶۰). ترکیه در داخل کشور، با پروژه گاپ به دنبال ایجاد همزومنی است. تغییر

سیستم حکومتی ترکیه از نظام مطلقه امپراتوری به نظام دموکراتیک مبتنی بر پارلمان باعث ایجاد انتظاراتی در مدرن‌سازی کشور با شعار صلح در خانه، صلح در خارج، شد. پروژه گاپ سعی در ایجاد ثروت در جنوب‌خاور کشور و نیز ذوب کردن قوم کرد در نظام اقتصادی-اجتماعی ترکیه دارد. از سوی دیگر، این پروژه نماد ایجاد هژمونی ترکیه در مقیاس حوضه و منطقه است. ترکیه پرآب‌ترین کشور در منطقه فقیر از آب خاورمیانه است و تنها کشور در منطقه است که دارای مقادیر زیادی آب مازاد بر نیاز و نیز پایداری سیاسی برای استخراج و مصرف آب دارد. این کشور بارها پیشنهاد تاسیس خط لوله صلح برای تأمین آب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، اسرائیل، سوریه و فلسطین داده است. اما این پیشنهاد به عنوان اسب تروجان تلقی شد و به دلیل ترس از ایجاد وابستگی و نیز کاهش کمیت و کیفیت آب به صورت محترمانه توسط این کشورها رد شد. بنابراین می‌توان گفت نتیجه تقابل یا همکاری بین کشورها بر سر آب‌های فراملی بیشتر تابع قدرت کشورها است تا موقعیت جغرافیایی یک کشور از نظر قرارگیری در حوضه بالادست یا پایین‌دست یک رودخانه و همچنین قوانین بین‌المللی در مورد آب (وارنر، ۲۰۰۸: ۲۸۸-۲۷۱).

هیدروپلیتیک امنیتی کشورهای پایین‌دست رودخانه‌های دجله و فرات

مهمترین چالش هیدروپلیتیک سوریه و عراق وابستگی زیاد این کشورها به رودخانه فرات است. سیاست‌های متناقض سوریه در مورد رودخانه اورنتس، فرات و حمایت این کشور از پیکارجویان کرد و ادعای تاریخی سوریه بر سر استان هاتای بر پیچیدگی این موضوع افزوده است. در این میان هیدروپلیتیک عراق بشدت متأثر از هیدروپلیتیک سوریه و به‌ویژه ترکیه است. اما از آنجا که ویژگی امنیتی آب سوریه و عراق نسبت به ترکیه، همانندی بیشتری با یکدیگر دارد هیدروپلیتیک امنیتی این دو کشور بیشتر در ارتباط با ترکیه ارزیابی شده است.

سوریه و هیدروپلیتیک امنیتی

کشاورزی همواره مهم‌ترین بخش اقتصاد سوریه بوده است، از این رو اقتصاد این کشور وابستگی زیادی به رودخانه فرات دارد. در سوریه نزدیک به ۹۵ درصد آب فرات در بخش کشاورزی، ۳/۳ درصد در بخش مصارف خانگی و ۱/۸ درصد در بخش صنعت استفاده می‌شود. در دهه ۱۹۵۰، درآمد حاصل از کشاورزی ۵۰ درصد از سود ناخالص ملی و نیز منبع درآمد ۷۰ درصد از مردم

سوریه بود. اما امروز کشاورزی درآمد حدود ۲۳ درصد از نیروی کار و ۲۸ درصد از تولید ناخالص داخلی سوریه را تشکیل می‌دهد. با کاهش نیروی کار کشاورزی و رشد جمعیت شهری ۳/۵ درصدی در سال، سوریه مجبور به افزایش تولید مواد غذایی و/یا واردات این مواد در حجم بسیار بالایی است (فائو، ۲۰۰۳).

این کشور سال‌ها است که استراتژی خودکفایی را به منظور حفظ امنیت غذایی خود دنبال می‌کند. گرچه در این راه موفقیت چندانی نداشته است و تنها در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ میزان صادرات و واردات مواد غذایی آن برابر شد. خشکسالی‌های پی‌درپی، کشمکش بر سر قیمت نفت و ضعف اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مشکلات را وخیم‌تر ساخت و هزاران کارگر روستایی برای جستجوی کار مجبور به مهاجرت به نواحی شهری شدند. از این‌رو، سوریه به خاطر واردات مواد غذایی برای جمعیت شهری که به سرعت در حال افزایش بود نیاز به اعتبار مالی داشت. سوریه در مقایسه با سایر کشورهای خاورمیانه نفت چندانی ندارد. براساس آمارهای سال ۲۰۰۲، سهم سوریه از ذخایر اثبات شده نفت جهان، ۰/۲ درصد یا ۲/۴ میلیارد بشکه نفت بوده است. نرخ فعلی مصرف نفت سوریه در حدود ۲۵۵ هزار بشکه است. ذخایر نفت سوریه تا ۲۵ سال آینده به پایان خواهد رسید. همچنین سوریه به خاطر کیفیت نسبتاً پایین نفت خود مجبور است از کشورهایی مانند ایران نفت وارد کند. با وجود محدودیت این ذخایر، نفت بیش از ۷۵ درصد از صادرات سوریه را به ارزش ۴ میلیارد دلار در سال تشکیل می‌دهد. به تازگی مقادیر زیادی گاز طبیعی در سوریه کشف شده که احتمالاً در سال‌های آینده یکی از مهمترین بخش‌های صادرات این کشور خواهد بود. با وجود تولید بیش از ۳/۳ میلیون تن غلات به ارزش ۴۵۰ میلیون دلار از ۳ میلیون هکتار زمین در سال ۱۹۹۹، این مقدار نتوانست پاسخگوی نیازهای جمعیت ۱۵/۸ میلیونی سوریه باشد. در نتیجه این کشور مجبور به واردات ۱/۴ میلیون تن دیگر به ارزش ۱۸۶ میلیون دلار و نیز دریافت مقدار قابل توجهی کمک‌های غذایی شد.^۲ تلاش برای افزایش تولید به دلیل بکارگیری روش‌ها و تجهیزات ناکارآمد با شکست مواجه می‌شود. افزون بر آن، اصلاحات نامناسب زمین سبب کاهش وسعت زمین‌های یکپارچه به خاطر قوانین ارث و

1. Fao, Aquastat database, 2003, (www.fao.org/ag/agl/aglw/aquastat/countries/index.stm).

۲. سوریه در سال ۱۹۹۰، ۴ میلیون دلار کمک غذایی دریافت کرد که این مقدار در سال ۱۹۹۷، به ۱۹۹ میلیون دلار رسید.

داده‌های موجود در این بخش از این سایت گرفته شده است:

FAO Country Profiles and Mapping Information System, 2003,
www.fao.org/countryProfiles

سلب قدرت مالکان شد که در پی آن تولید بسیار کاهش یافت. این جریانات سوریه را مجبور به واردات یک سوم تا نیمی از غلات مورد نیاز خود کرد (کلیوت، ۲۰۰۵: ۱۵۴-۱۵۲).
با توجه به خشکسالی‌های پی‌درپی و با در نظر داشتن اهمیت عبور جریان پر قدرت فرات از میان نواحی حاصلخیز سوریه (هلال سبز^۱) عجیب نیست که سیاستمداران، سوری حاضرند میلیون‌ها دلار برای استفاده بیشتر از آب فرات هزینه کنند و این بازی دشوار را با ترکیه برای بدست آوردن حقوق بیشتر برای مهار آب فرات ادامه دهند.

اهمیت آب برای سوریه: پروژه دره فرات

از ۱۸/۴ میلیون هکتار اراضی سوریه تنها ۶/۴ میلیون هکتار آن قابل کشت است (۲۵ درصد) که از این مقدار تنها ۸۱۰ هزار هکتار آن زیرکشت دائمی است (فائو، ۲۰۰۳). از سال ۱۹۶۰، ۱/۵ میلیون هکتار از اراضی این کشور به دلیل بیابانی شدن، شوری و اشباع‌شدگی از بین رفت. با این حال، نیاز سوریه به آبیاری افزایش یافته است. نخستین سرمایه‌گذاری در پروژه دره فرات را فرانسوی‌ها در سال ۱۹۲۷ انجام دادند. آنها برای بار دوم در دهه ۱۹۵۰ بعد از استقلال سوریه سرمایه‌گذاری دیگری انجام دادند. شوروی سابق نیز در سال ۱۹۶۰ در این پروژه سرمایه‌گذاری کرد. در سال ۱۹۶۳ دولت سوریه تصمیم گرفت این پروژه را با ساخت سد بزرگ تبقا ادامه دهد. این سد با هدف آبیاری ۶۴۰ هزار هکتار از دشت‌های سوریه و توان تولید ۸۴۰ مگاوات برق (۶۰ درصد برق سوریه) در سال ۱۹۷۳ به بهره‌برداری رسید. میزان دشت‌های تحت پوشش شبکه آبیاری این سد بیش از حد اغراق شد. به دلیل وجود خاک‌های ژیبس‌دار، کارستی و نیز فرسایش‌پذیر در منطقه، پمپاژ بیش از حد آب و نیز فروریختن کانال‌ها در اثر رسوخ آب باعث شور شدن خاک منطقه شد. پس از مدتی سوریه اهداف مورد نظرش را به ۳۷۰ هزار هکتار و باز برای سومین بار به ۲۴۰ هزار هکتار تعدیل کرد. اما مساحت واقعی تحت پوشش شبکه آبیاری این سد به صورت یک راز باقی ماند. همچنین داده‌های مربوط به توان تولید برق سد تبقا نیز حقیقی نیست و تولید واقعی آن کمتر از ۱۵۰ مگاوات است (شاپلند، ۱۹۹۷: ۱۱۰).

۱. هلال سبز در سوریه شامل سه استان شمالی حلب، الرافه و دیرالزور می‌شود.

2. <http://apps.fao.org/>, 2003

با توجه به پافشاری سوریه به امنیتی کردن اطلاعات مربوط به سدها و توان آبیاری این کشور هدف اصلی سوریه از توسعه دره فرات را نمی‌توان صرفاً تولید انرژی یا آبیاری دانست، بلکه هدف این کشور را باید به نوعی بزرگ‌نمایی قدرت رژیم و کسب مشروعیت سیاسی به حساب آورد. افزون بر آن، سوریه قصد دارد در طرح‌های توسعه پنج ساله، پروژه‌های آبیاری را بر روی رودخانه‌های خابور، سجور، بلیخ، دجله و عاصی (اورنتس) گسترش دهد. اورنتس از لبنان سرچشمه گرفته و با گذر از سوریه در پایان به استان هاتای (انتاکیه) در ترکیه می‌رسد. سوریه با طراحی دو سد زیزون و کاستوم به منظور تنظیم جریان اورنتس، تنها اجازه ورود سالانه ۲۵ میلیون مترمکعب آب به ترکیه را می‌دهد. سوریه اورنتس را یک رودخانه بین‌المللی نمی‌شناسد. این سیاست متناقض سوریه به شدت مورد اعتراض ترکیه است (بشورنر، ۱۹۹۲: ۷۶).

تنش‌های سیاسی و رقابت‌های تاریخی

سوریه و گروه پ.ک.ک

شروع پروژه گاپ با دوره‌ی ریاست جمهوری حافظ اسد در سوریه همراه شد. اسد می‌دانست که با توسعه طرح‌های ترکیه در گاپ، ۴۰ درصد از جریان فرات در سوریه کاهش می‌یابد و این امر مانعی در اجرای طرح‌های توسعه آبیاری سوریه و در نتیجه تهدیدی برای سیاست‌های این کشور در رابطه با امنیت غذایی خواهد بود. افزون بر آن، افزایش فشارهای اجتماعی ناشی از رشد سریع جمعیت و اقتصاد ضعیف و ایستای کشور، وی را بیشتر نگران می‌ساخت. اسد برای امتیاز گرفتن از ترکیه چند کارت برنده در اختیار داشت. وی برای رسیدن به منظور خود گروه‌های شبه‌نظامی و جنبش‌های آزادی‌بخش همچون حزب کارگران کرد (پ.ک.ک)، ارتش سری آزادی‌بخش ارمنیان و گروه‌های اپوزیسیون یونانی برای آزادی قبرس را از طریق کمک مالی و فراهم‌ساختن آموزش نظامی در سوریه و سپس دره‌ی بقا تقویت می‌کرد. این شبه‌نظامیان به تدریج یک رشته عملیات چریکی خونبار را در جنوب‌خاوری ترکیه آغاز کردند. اسد از کشمکش‌های داخلی ترکیه به ویژه درگیری این کشور با کردها و برخوردهای سیاسی و مدنی در اواخر دهه ۱۹۷۰، به خوبی بهره برد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، سازمان پ.ک.ک برای آغاز حملات چریکی در خاک ترکیه آماده شد. همزمان با اعلام رسمی ترکیه برای راه‌اندازی

پروژه‌های گاپ، پ.ک.ک تعدادی شبه‌نظامی به ترکیه اعزام نمود. در طول این دوره اوجالان عملیات چریکی را از دمشق هدایت می‌کرد. پشت‌گرمی سوریه به ارتش و کارشناسان شوروی بود. از این رو، سوریه با پشتیبانی گسترده از پ.ک.ک اردوگاه‌های امنی را برای شورشیان کرد فراهم ساخت. واکنش ترکیه به این رویدادها بسیار سریع و قوی بود. هزاران سرباز برای سرکوب پ.ک.ک به جنوب‌خاور آناتولی روانه شدند. بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۳، نزدیک به ۵۰۰۰ نفر در جنوب‌خاور آناتولی کشته شدند. با این که خشونت‌ها ادامه داشت، اما برنامه توسعه پروژه‌های جنوب‌خاور آناتولی هرگز متوقف نشد (بولاج و درویش، ۱۹۹۳: ۷۷-۵۸).

در سال ۱۹۸۷، اوزال با این انگیزه که بین شورش کردهای پ.ک.ک در جنوب‌خاور آناتولی و موضوع حقوق آب رودخانه فرات ارتباط مستقیم وجود دارد به سوریه سفر کرد. سوریه و عراق لابی نسبتاً موفقی در جامعه بین‌الملل برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری بانک جهانی در توسعه پروژه گاپ داشتند. دلخوری ترکیه بیشتر از بابت خسارت‌های ناشی از این موضوع بود. به هر حال، پس از سفر اوزال ترکیه متعهد شد تا ۵۰۰ مترمکعب در ثانیه از آب فرات را به سوریه از مرز مشترک آزاد کند. دستاورد این سفر برای اوزال تنها یک توافقنامه شفاهی با حافظ اسد بود. برای نخستین بار به طور رسمی مسائل امنیتی دو کشور به مسئله آب پیوند خورد. حافظ اسد در بازی با کردها در برابر ترکیه زیرکانه عمل کرد. او به خوبی می‌دانست که از نظر نظامی و اقتصادی در برابر ترکیه بازنده است. پ.ک.ک برای سوریه تهدیدی به شمار نمی‌آمد و نقش یک حایل را در پیوند آب با امنیت سوریه داشت. با این حال پس از آن که ترکیه با تقاضای سوریه مبنی بر افزایش جریان آب فرات موافقت کرد، سوریه دوباره با سوء استفاده از کردها، ترکیه را افزون بر موضوع حقوق آب فرات در رابطه با استان هاتای نیز تحت فشار قرار داد. با پرشدن مخزن سد آتاترک در زمستان ۱۹۹۰ روابط دو طرف دوباره تیره شد. جریان آب فرات در مرز ترکیه-سوریه به شدت کاهش یافت. ترکیه با از دست دادن شکیبایی، فشارهای سیاسی خود را به سوریه برای حل مسئله پ.ک.ک افزایش داد. سوریه در واکنش پایگاه‌های آموزشی پ.ک.ک را برای کاهش پتانسیل درگیری نظامی در مرزهای شمالی خود با ترکیه، به دره‌ی بقا

منتقل کرد^۱ (بولاج و درویش، ۱۹۹۳: ۷۰).

آنکارا مصمم بود تا قدرت برتری نظامی خود را به سوریه نشان دهد. ترکیه با تقاضای پیوستن به ناتو پس از جنگ خلیج فارس، تهدید جدی برای امنیت سوریه و عراق به عنوان قدرت برتر به حساب می‌آید (آدامز، ۲۰۰۲: ۱۵-۱۲).

ترکیه در سال ۱۹۹۸ سیاست‌ها و تلاش‌های حافظ اسد را بزرگ‌نمایی و بلوف سیاسی خواند. پس از تهاجم پ.ک.ک به استان هاتای در ۱۹۹۵ جنگ لفظی بین دو کشور به اوج خود رسید. ترکیه با تعیین ضرب‌الاجل برای سوریه این کشور را در صورت ادامه پشتیبانی از کردهای شورشی و پناه دادن به سران پ.ک.ک، به حمله نظامی تهدید کرد. تنش بین سوریه و ترکیه مثال بسیار خوبی از ارتباط بین آب و امنیت سیاسی - نظامی کشورها است.

استان هاتای یا اسکندرون (قلمرو هیدرواستراتژیکی)

در گوشه انتهایی شمال‌خاوری مدیترانه، جایی که کوه‌های تاروس با پیوستن به دریا، آناتولی را از بخش خاوری جدا می‌کند، شهر بندری اسکندرون در ساحل خلیجی به همین نام در استان اسکندرون (سوریه آن را هاتای می‌نامد) قرار دارد. در جنوب این استان شهر انتاکیه واقع شده است. از نگاه تاریخی انتاکیه معمولاً بخشی از سوریه به حساب می‌آمد. دستاورد تجزیه امپراتوری عثمانی برای فرانسه پس از جنگ جهانی اول، قرارگرفتن استان اسکندرون در پیمان قیمومت سوریه و لبنان بود. بر مبنای پیمان لوزان در ۱۹۲۳، ترکیه هرگونه ادعایی را بر سرزمین‌های پیشین (امپراتوری عثمانی) پس گرفت. اما در ۱۹۳۶، زمانی که سوریه تلاش می‌کرد تا از قیمومت فرانسه اعلام استقلال کند. کمال آتاترک با نزدیک شدن به فرانسه بر مسئله بازگرداندن اسکندرون به جمهوری ترکیه به این دلیل که بیشتر جمعیت آن ترک هستند، پافشاری کرد. فرانسه نیز برای جلوگیری از نزدیک شدن دوباره ترکیه به آلمانی‌ها، پذیرفت تا به

۱. ترکیه تا اوایل سال ۱۹۹۱ نمی‌دانست که سوریه بیش از ۴۰۰۰۰ هزار سرباز در دره بقا دارد، سوریه در ادامه سعی کرد مسئولیت این جریانات را به لبنان ارتباط دهد. با این حال ترکیه نیز به انتقال آنها به پادگان شیخ عبدالله در جنوب لبنان که از سوی ایران پشتیبانی می‌شد کمک کرد. اسد دو نقطه ضعف ترکیه را به خوبی می‌دانست: نخست، نگرانی از انقلاب اسلامی در ایران و دوم، مسئله کردها. در واقع اسد با جابجایی پ.ک.ک می‌خواست اتهام حمایت از تروریسم را به این شکل رد کند (Bulloch and Darwish, 1993).

استان اسکندرون در کنترل امور داخلی خودمختاری داده شود. در انتخابات ۱۹۳۸، یک رئیس‌جمهور ترک انتخاب شد و در پی آن با شروع جنگ جهانی دوم فرانسه عملاً اسکندرون را در اختیار ترکیه قرار داد (مدزینی و ولف، ۲۰۰۵: ۱۲۱).

ترک‌ها اکثریت قدرتمندی در استان هاتای هستند. اما هنوز جمعیت قابل ملاحظه‌ای از عرب زبان‌ها در این منطقه ساکنند. سوریه هرگز پیوستن هاتای به ترکیه را به رسمیت نشناخت. در تمام نقشه‌های سوری استان هاتای بخشی از خاک سوریه نشان داده شده است، سوریه در طول گفتگوها با ترکیه در رابطه با کاهش جریان فرات، همواره موضوع استان هاتای را پیش کشیده و با تاکید بر این که فرانسه از نظر قانونی حقی در رابطه با واگذاری قلمرو تحت قیمومت خویش به ترکیه نداشته، بازگردان این استان را خواستار شده است. در مقابل ترکیه نیز وضعیت رودخانه مشترک اورونتس (عاصی) را طرح می‌کند. مشکل ترکیه و سوریه بر سر فرات از سویی با رودخانه اورونتس به هم گره خورده است. ۴۰ کیلومتر از جریان این رودخانه در خاک لبنان، ۱۲۰ کیلومتر آن در سوریه و ۸۸ کیلومتر از رودخانه اورونتس در ترکیه جریان دارد. هر چند تنش بر سر رودخانه اورونتس پنهان است، اما به عنوان ابزاری در چانه‌زنی‌های سیاسی از سوی هر دو کشور (ترکیه و سوریه) به کار می‌رود. سوریه در توافقنامه‌ای با لبنان در سال ۱۹۷۲، ۸۰ میلیون مترمکعب از آب رودخانه اورونتس را بدست آورد. این رودخانه برای سوریه به جهت توسعه پروژه‌های دره قاب برای تولید برق و آبیاری دو شهر هُمس و هاما بسیار با اهمیت است (مدزینی و ولف، ۲۰۰۵: ۱۲۲-۱۲۳).

عراق و امنیت آب

دولت عراق میلیون‌ها دلار برای زیرساخت‌های آبی هزینه کرده است. بر اساس برآوردها بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ بیش از ۴ میلیارد دلار به ویژه در سدسازی سرمایه‌گذاری شد. از آنجا که مهمترین منابع آب عراق پس از عبور از دو کشور ترکیه و سوریه وارد عراق می‌شود، ترس از دست‌دادن آب همواره برای این کشور وجود داشته است. پیش از حضور نظامی آمریکا در عراق، هزینه‌های بسیار بالای نظامی و گسیختگی در اجرای پروژه‌های سامانه‌های آبی و نبود سیستم حفظ کیفیت آب و مهمتر آن که عدم ارتباط سیاسی صدام با همسایگانش، به ویژه ایران و ترکیه، نگرانی‌های این کشور را دوچندان می‌ساخت. از این رو، سیاست‌های عراق همواره در

جهت توسعه جدی پروژه‌های آبی بوده است. با این همه امنیت آب عراق هیچگاه بی‌ارتباط با امنیت نظامی این کشور به ویژه در دوران صدام نبوده است. در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۵ و دهه ۱۹۸۰ به ترتیب در حدود ۱۹، ۳۹ و بیش از ۷۰ درصد از تولید ناخالص ملی عراق، به بخش نظامی اختصاص یافت (النصراوی، ۲۰۰۱: ۲۱۸-۲۰۵).

با به قدرت رسیدن صدام حسین هزینه‌های نظامی افزایش یافت. از این رو، نبود سرمایه‌گذاری کافی در سامانه‌های آبرسانی به ویژه در بخش کشاورزی، عملاً مدیریت آب را بی‌اثر می‌ساخت. افزون بر آن به خاطر تحریم‌های بین‌المللی و اخیراً نیز به خاطر شرایط بسیار ناامن عراق سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور صورت نمی‌گیرد. افزون بر آن سرمایه‌گذاری برای برنامه‌های حفظ محیط‌زیست مانند بهره‌وری مصرف آب، جلوگیری از آبیاری غرقابی و اعتبارات یارانه‌ای برای بهسازی کانال‌های زهکشی و آبرسانی به خاطر سیاست‌های رژیم گذشته و اکنون نیز به خاطر بی‌ثباتی سیاسی، وجود ندارد. با افزایش بهره‌برداری ترکیه، سوریه و ایران از سرشاخه‌های تغذیه‌کننده دجله، کیفیت آب و کنترل منابع آب برای عراق کمتر خواهد شد. ترکیه در سال ۲۰۰۵ سد ایلی سو را بر روی فرات به بهره‌برداری رساند. بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده با به پایان رسیدن فاز نهایی این سد در سال ۲۰۱۳ جریان دجله در عراق تا ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت. از این رو به کشاورزی در شمال و مرداب‌های جنوب عراق صدمه جدی خواهد رسید. وابستگی زیاد عراق به آب‌هایی که به این کشور وارد می‌شود، توجیه‌کننده نگرانی این کشور از بابت پروژه گاپ است که سهم عراق از آب دجله و به ویژه فرات را تا سال ۲۰۴۰ نزدیک به ۵۱ میلیارد مترمکعب کاهش خواهد داد (جارادت، ۲۰۰۳: ۳۲).

اقتصاد عراق و ارتباط با جامعه بین‌الملل

جنگ خلیج فارس و پس از آن تحریم‌های سنگین اقتصادی، درآمد ناخالص ملی عراق را به شدت تنزل داد، به گونه‌ای که این مسئله تا ۲۷ درصد کاهش یافت. نفت بیش از ۶۱ درصد از درآمد ناخالص ملی و نیز ۹۹/۶ درصد از درآمدهای خارجی این کشور را تشکیل می‌داد. این وابستگی باعث شد که کاهش تولید نفت تا ۸۱ درصد در سال ۱۹۹۱، اقتصاد این کشور را چنان متاثر سازد که بیش از ۳۵ درصد کسری مواد غذایی پس از جنگ به وجود آید. در نتیجه عراق تولیدات غذایی خود را به طور ناگهانی افزایش داد. از این رو، در آن سال‌ها فشار بیشتری بر

منابع آب وارد شد (بشورنر، ۱۹۹۲: ۳۵).

حزب بعث در سال ۱۹۶۳، پس از سقوط رژیم قسام در عراق به قدرت رسید. سه سال بعد حزب بعث در سوریه نیز به قدرت رسید. از ۱۹۶۸ با به قدرت رسیدن صدام حسین بین سوریه و عراق بر سر رهبری ایدئولوژی پان عربیسم رقابت شدیدی پدید آمد. رژیم سوریه، بعثی‌گرایی عراق را تهدیدی برای موجودیت خود می‌پنداشت. این تنش‌ها، جو بی‌اعتمادی و ناهماهنگی را بین دو کشور به وجود آورد. از سویی با ساخت سد تبقا در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۴، روابط این دو کشور به قدری متشنج شد که احتمال حمله نظامی دور از انتظار نبود. اما در سال‌های بعد ترکیه با ادامه پروژه‌های توسعه بر روی رودخانه فرات، سوریه و عراق را به همکاری با هم در راستای چگونگی تقسیم آب فرات واداشت. اختلاف‌های ناشی از دیدگاه‌های امنیتی و رقابت‌های سیاسی باعث کشمکش منافع و بیشترین برخوردهای امنیت آب بین ترکیه، سوریه و عراق بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ شد. با این حال وابستگی عراق به ترکیه و سوریه در زمینه سیاست خارجی افزایش خواهد یافت از این جهت که کشورهای بالادست خواه ناخواه بر کیفیت آب دجله و فرات تاثیر می‌گذارند. گره‌خوردن اقتصاد عراق با ترکیه بعد از افزایش تحریم‌ها بیشتر شد. اما روابط سیاسی و اقتصادی عراق با سوریه تنها پس از سرنگونی حزب بعث کمی بهبود یافت (مدزینی و ولف، ۲۰۰۵: ۱۳۲-۱۳۰).

تاریخچه همکاری و کشمکش در حوضه دجله و فرات

نخستین گفتگوها در حوضه دجله و فرات بر سر آب در سال ۱۹۲۰ با پیمان ۲۳ دسامبر بین بریتانیا و فرانسه آغاز شد. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای عراق و سوریه استقلال یافتند و از آن پس این گفتگوها و پیمان‌ها توسط سه کشور ترکیه، سوریه و عراق دنبال شد. روابط بین این سه کشور در طول نیمه نخست قرن بیستم به نسبت آرام بود. نشست‌های دوجانبه یا سه جانبه بین ترکیه، سوریه و عراق، که گاه‌با دخالت شوروی سابق همراه بود، از میانه دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. این سه کشور پس از پرشدن دو سد کبان و تبقا، در اواخر سال ۱۹۷۳، هیچگاه به یک توافق رسمی نرسیدند (دولتیار و گری، ۲۰۰۰: ۱۳۳). ترکیه، سوریه و عراق به عنوان سه کشور سهیم در آب رودخانه‌های دجله و فرات با درجه‌های مختلفی از تنش هیدروپلیتیکی در سرتاسر

دهه ۱۹۶۰ مواجه بودند. در سال ۱۹۶۵ برای نخستین بار کمیته فنی مشترک بین ترکیه، سوریه و عراق، تشکیل شد. فعالیت کمیته فنی مشترک بارها متوقف شد و در آخر نیز اختلاف نظر بر سر تقسیم آب بر اساس "رودخانه‌های بین‌المللی"^۲ یا بر اساس رژیم "بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی"^۳ مشکل‌ساز شد. کمیته فنی مشترک جز در زمینه‌های تبادل داده‌های هیدرولوژی و تا اندازه‌ای فنی، نتیجه‌ای در بر نداشت (کی‌باروقلو، ۲۰۰۲: ۲۲۵).

در پی ساخت دو سد کبان و تبقا، در اوایل دهه ۷۰ جریان رود در پایین‌دست کاهش یافت. در سال ۱۹۷۴، سوریه با درخواست عراق مبنی بر افزایش جریان آب رودخانه فرات از ۲۰۰ میلیون مترمکعب در سال از سد تبقا به عراق، موافقت کرد. پس از یک سال، عراقی‌ها مدعی شدند که جریان رودخانه از حد معمول خود یعنی ۹۲۰ مترمکعب بر ثانیه به ۱۹۷ مترمکعب بر ثانیه کاهش یافته است. در پی آن عراق خواستار دخالت اتحادیه عرب برای حل این مشکل شد. سوریه نیز در توجیه اقدام خود مدعی بود که کمتر از نیمی از جریان طبیعی فرات در آن سال از ترکیه وارد کشورش شده است. در سال ۱۹۷۵، سوریه آسمان خود را به روی هواپیماهای عراقی بست. پس از آن هر دو کشور سربازهای خود را به سوی مرزهای مشترک روانه کردند. تنها با میانجیگری عربستان سعودی بود که جلوی افزایش تنش به طور موقت گرفته شد. با این حال، در خرداد ۱۹۷۵، دو حکومت بعثی عراق و سوریه در رابطه با جلوگیری از یک درگیری حتمی بر سر آب به توافق رسیدند. گرچه استفاده از واژه توافقنامه بطور عمومی بکار برده نشد، اما منابع عراقی بطور محرمانه بیان داشتند که با سوریه به توافق رسیدند که ۴۲ درصد آب فرات برای سوریه باشد و ۵۸ درصد باقیمانده وارد عراق شود (ولف و نیوتن، ۲۰۰۸: ۳).

از سال ۱۹۷۵ به بعد با آغاز توسعه یک‌جانبه سامانه‌های آبی در طول رودخانه فرات، احتمال درگیری افزایش یافت. در آن زمان، فشار ناشی از افزایش جمعیت به توسعه یک‌جانبه، به ویژه در جنوب خاور آناتولی و سوریه به ترتیب با ساخت سد کبان (۱۹۷۳-۱۹۶۵) و سد تبقا (۷۳-۱۹۶۸) منجر شد. ترکیه و عراق در سال ۱۹۸۰ سند تشکیل کمیته اقتصادی مربوط به منابع آب را امضاء کردند. پس از آن سوریه در سال ۱۹۸۳ به این کمیته پیوست. با این حال این نشست‌ها

-
1. Joint Technical Committee (JTC)
 2. International rivers
 3. Tran boundary water course

در بهترین حالت به صورت ادواری و غیردائمی برگزار می‌شد. در نشست دمشق در سال ۱۹۸۷، تورگوت اوزال، نخست‌وزیر ترکیه، با امضای توافقنامه‌ای مبنی بر ضمانت ترکیه برای ورود دست‌کم ۵۰۰ مترمکعب بر ثانیه آب به سوریه موافقت کرد.

دوباره مذاکرات سه جانبه در سال ۱۹۹۰، درست زمانی که ترکیه جریان رودخانه فرات را برای ذخیره آب در پشت سد آتاترک (بزرگترین سد گاپ)، به مدت سی روز به روی سوریه قطع کرد، از سر گرفته شد. در این نشست عراق دوباره بر خواست خود مبنی بر اجازه ورود ۵۰۰ مترمکعب بر ثانیه از جریان آب فرات از مرز سوریه-عراق، تاکید داشت. اما نمایندگان ترکیه مسئله را بیشتر فنی و نه سیاسی می‌دیدند و حاضر به تغییر مواضع خود نشدند (مدزینی و ولف، ۲۰۰۵: ۱۲۰-۱۱۸). در سال ۱۹۹۶، کمیته مشترک هماهنگی برای آب بین سوریه و عراق در دمشق تشکیل شد. جایی که دو طرف درباره این که چگونه آب دجله و فرات بین ترکیه، سوریه و عراق به طور معقول و منصفانه توزیع شود، مذاکره کردند. در همان سال ترکیه، برای تعهد در مذاکرات بر سر مسئله آب، سوریه را به همکاری فراخواند. ترکیه خواهان حل مسئله به روش تقسیم آب بر اساس وسعت زمین‌های کشاورزی بود، در حالی که سوریه بر تقسیم برابر پافشاری می‌کرد. تنش بین سوریه و ترکیه دوباره در اواخر ۱۹۹۸، بر سر موضوع شورش کردها افزایش یافت. حمایت‌های سوریه از جدایی‌طلبان کرد (پ.ک.ک) باعث شد تا ترکیه این کشور را به حمله نظامی تهدید کند. تهاجم احتمالی ترکیه با موافقت سوریه مبنی بر اخراج گروه پ.ک.ک از خاک خود و امضای توافقنامه‌ی آدانا در اکتبر ۱۹۹۸ دفع شد. در سال ۲۰۰۱، سوریه و عراق گفتگو درباره آب دجله و فرات را برای رسیدن به یک موضع واحد در مذاکره با ترکیه از سر گرفتند. در تابستان همان سال، سوریه و ترکیه در پیش‌نویس سند همکاری برای پروژه گاپ ترکیه و پروژه ساماندهی جامع توسعه زمین (گلد) سوریه، با یکدیگر به توافق رسیدند. با وجود توافقنامه‌ها و مذاکرات مختلف، وضعیت آب رودخانه‌های دجله و فرات همچنان حل نشده باقی ماند. از سال ۲۰۰۳، ترکیه تمایلی به امضاء قرارداد نهایی در مورد تقسیم آب با سوریه و عراق نداشت. با برکناری رژیم صدام حسین، و روی کار آمدن دولت جدید در عراق شرایط سیاسی برای گفتگو هموار شده است، اما مسئله ناامنی عراق این مسئله را تحت شعاع قرار داده است. در سال ۲۰۰۵ سد ایللی سو بر روی فرات به بهره‌برداری رسید. براساس برنامه‌ریزی انجام شده با به پایان رسیدن فاز نهایی این سد در سال ۲۰۱۳ جریان دجله در عراق تا ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت. از این رو به صنعت

کشاورزی در شمال و مرداب‌های جنوب عراق صدمه جدی خواهد رسید. با این حال در سال ۲۰۰۸ این سه کشور تصمیم گرفتند یک نهاد برای کار در زمینه حل مشکلات مرتبط با آب بین سه کشور تأسیس کنند (ولف و نیوتن، ۲۰۰۸: ۳-۵).

با نگاهی به تاریخچه همکاری و کشمکش در حوضه دجله و فرات که در بالا به آن اشاره شد، به این نتیجه می‌رسیم که اگر یکی کشورهای سهیم در منافع رودخانه مشترک فرامرزی، از شرایط جغرافیایی و نظامی برتری برخوردار باشد، رسیدن به یک توافق منصفانه مشکل است. با توجه به این که بیشتر سرچشمه‌های اصلی دجله و فرات در ترکیه واقع شده است و این کشور از قدرت نظامی بیشتری نسبت به همسایگان خود برخوردار است، از این رو انگیزه کمتری به همکاری با سوریه و عراق، برای رسیدن به یک رهیافت مشترک در جهت دستیابی به منافع برابر دارد. از طرف دیگر با این که در بیشتر مذاکرات چندجانبه هدف حل مشکل است، اما کشور قدرتمند همواره خواهان حفظ قدرت و نشان دادن برتری خود است. در این مذاکرات ترکیه موفق شد که برتری خود را بر سر کشمکش آب حفظ کند و سوریه با امضای توافقنامه آدانا، در حقیقت یکی از کارت‌های برنده خود را از دست داد. به هر صورت توسعه یک‌جانبه در حوضه رودخانه مشترک فرامرزی، بدون همکاری و هماهنگی با سایر کشورهای مشترک در رودخانه، تنش و رقابت را شدت می‌بخشد.

دلایل مشکلات مدیریت آب در حوضه دجله و فرات

پروژه عظیم توسعه جنوب‌خاور آناتولی آینده‌نگران‌کننده‌ای برای دو همسایه جنوبی ترکیه یعنی عراق و سوریه ترسیم می‌کند. با به پایان رسیدن گپ تحولات مهمی در هیدرولوژی منطقه به وجود می‌آید و به‌طور چشمگیری کیفیت و کمیت آب کشورهای پایین‌دست دو رودخانه را کاهش خواهد داد. اهمیت و فوریت یافتن راه‌حلی برای چگونگی تخصیص آب دجله و فرات بارها این سه کشور را بر سر میز گفتگو کشاند (ولف و مدزینی، ۲۰۰۵: ۱۱۹). می‌توان مهمترین عواملی را که رسیدن به توافق برای همکاری و مدیریت منابع آب را بی‌نتیجه می‌سازد، ناشی از چهار دلیل مهم زیر دانست:

۱. نگرانی ناشی از کمبود آب در آینده:

در حقیقت افزایش جمعیت، صنعتی‌شدن، افزایش مصرف سرانه هر نفر و نیاز به آبیاری بیشتر،

دسترسی به منابع آب را به یک مسئله حیاتی برای سه کشور ساحلی دجله و فرات مبدل ساخته است.

۲. اطلاعات غیرقابل اعتماد:

نبود اطلاعات قابل اعتماد و نیز داده‌های متناقض درباره منابع آب، یکی دیگر از موانع برای حل کشمکش آب در حوضه رودخانه‌های دجله و فرات است. اختلافات بسیاری در داده‌های هیدرولوژی حوضه دجله و فرات دیده می‌شود. افزون بر آن، مشکل اطلاعات غیرحقیقی درباره میزان برداشت آب برای آبیاری و توسعه پروژه‌ها نیز وجود دارد. چنانچه تحلیل دقیق امنیت آب سوریه به خاطر پنهان‌کاری‌ها و عدم صداقت در انتشار آمار و ارقام، مشکل است. این وضعیت می‌تواند ناظران و پژوهشگران را گمراه کند.

۳. ابهام در قوانین بین‌المللی رودخانه‌های مشترک فرامرزی:

قوانین حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی به هر یک از کشورهای اطراف حوضه رودخانه این اجازه را می‌دهد که برداشت‌های متفاوتی بر اساس منافع و حقوق خود از این قوانین داشته باشند. به همین خاطر در مورد دجله و فرات ترکیه مدعی است که این دو رودخانه، رودهای فرامرزی هستند و نه بین‌المللی و تنها از مرزهای بین‌المللی عبور می‌کنند و مرز دو کشور را نمی‌سازند. در حالی که سوریه و عراق مدعی بین‌المللی بودن این رودخانه‌ها هستند و خود را کشورهای مشترک در منافع رودخانه با سهمی برابر از آب‌های آن می‌دانند. این موضوع در بخش حقوق بین‌الملل در رابطه با آب‌های مشترک فرامرزی روشن‌تر خواهد شد.

۴. ادعای نیازهای غیرواقعی برای آب:

میزان آب موردنیاز برای پروژه‌های برنامه‌ریزی شده از سوی ترکیه، سوریه و عراق بیش از میزان آب جاری در رودخانه‌های دجله و فرات است. مشخص است که با توجه به توان این رودخانه‌ها، برآوردن این نیازها غیرممکن است (دولتیار و گری، ۲۰۰۰: ۱۵۵).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارزیابی فرضیات

ترکیه در داخل کشور، با پروژه گاپ به دنبال ایجاد هژمونی است. تغییر سیستم حکومتی ترکیه از نظام مطلقه امپراتوری به نظام دموکراتیک مبتنی بر پارلمان باعث ایجاد انتظاراتی در مدرن‌سازی

کشور با شعار صلح در خانه، صلح در خارج، شد. پروژه گاپ سعی در ایجاد ثروت در جنوب‌خاور کشور و نیز ذوب کردن قوم کرد در نظام اقتصادی- اجتماعی ترکیه دارد. از سوی دیگر، این پروه نماد ایجاد هژمونی ترکیه در مقیاس حوضه و منطقه است. ترکیه پرآب‌ترین کشور در منطقه فقیر از آب خاورمیانه است و تنها کشور در منطقه است که دارای مقادیر زیادی آب مازاد بر نیاز و نیز پایداری سیاسی برای استخراج و مصرف آب دارد. اما نتیجه تقابل یا همکاری بین سه کشور ترکیه، سوریه و عراق بر سر آب‌های دجله و فرات بیشتر از آنکه تابع موقعیت جغرافیایی یک کشور از نظر قرارگیری در حوضه بالادست یا پایین‌دست یک رودخانه و همچنین قوانین بین‌المللی در مورد آب باشد، تابع قدرت ملی در این حوضه‌های هیدروپلیتیک است (وارنر، ۲۰۰۸: ۲۸۸-۲۷۱). به همین دلیل، سوریه و عراق نگرانی‌های مشابهی در زمینه امنیت آب دارند. هر دو کشور در تلاشند تا به حقوق تاریخی خود در رودخانه‌های دجله و فرات دست یابند. از این رو دو کشور جبهه مشترکی را در برابر پروژه‌های آبی گسترده ترکیه در دجله و فرات تشکیل داده‌اند. در حالی که جایگاه هیدروپلیتیک امنیتی عراق بسیار پیچیده‌تر از وضعیت سوریه و موقعیت بدتری نسبت به آن دارد چون که با به پایان رسیدن پروژه‌های گاپ، عراق ۸۰ درصد از جریان فرات و ۵۰ درصد از جریان دجله را از دست خواهد داد. این در حالی است که نزدیک به ۲۰ سال جنگ با کشورهای همسایه و تحریم‌های بین‌المللی سیاست امنیت آبی این کشور را به شدت تضعیف و کم‌اثر کرده است. از آنجایی که عراق آب زیادی از دجله و فرات دریافت می‌کند به دلیل داشتن مصرف سرانه‌ی بالا، نسبت به کاهش کمیت و کیفیت آب از سوی بالادست بسیار حساس و آسیب‌پذیر شده است. از طرف دیگر، سوریه هر چند از نظر وابستگی به آب رودخانه فرات، این کشور را کاملاً از این نظر به ترکیه وابسته کرده است اما جهت برقراری تعادل و موازنه ژئوپلیتیکی، سوریه بارها از کردهای جنوب خاوری آناتولی به عنوان چالشی در راستای سیاست‌های آبی خود و تحت فشار قرار دادن آنکارا استفاده کرده است. بر این اساس و با توجه به بحث و یافته‌های اصلی مقاله و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، فرضیه نخست که عبارت بود از: نتیجه تقابل یا همکاری بین کشورها در حوضه هیدروپلیتیک دجله و فرات بیشتر تابع قدرت ملی کشورها است و در این زمینه، موقعیت جغرافیایی کشورها به لحاظ قرارگرفتن در حوضه بالادست یا پایین‌دست رودخانه، و یا قوانین بین‌المللی مربوط به آب، نقش چندانی در تأمین امنیت مشترک و شکل‌گیری بسترها و زمینه‌های لازم برای همکاری سه کشور حوضه تأثیر

چندانی ندارند، اثبات می‌گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ترکیه از هژمونی و برتری که به لحاظ قدرت نسبت به دو کشور دیگر حوضه دارد، تاکنون به نحو احسن از این برتری ژئوپلیتیکی در مجموعه امنیتی هیدروپلیتیکی دجله و فرات بهره لازم را برده است. هر چند که ترکیه این برتری ژئوپلیتیکی را تا حدود زیادی مدیون موقعیت جغرافیایی خود نیز می‌باشد که باعث شده است در موقعیت بالادست نسبت به هر دو کشور سوریه و عراق در هر دو حوضه رودخانه دجله و فرات قرار گیرد. اما در مورد آزمون فرضیه دوم که عبارت بود از اینکه: به نظر می‌رسد منافع و تهدیدات مشترک در حوضه رودخانه‌های دجله و فرات بستر و زمینه لازم را برای همگرایی و همکاری سه کشور ترکیه، سوریه و عراق فراهم می‌آورد، براساس یافته‌های تحقیق مسلم شد که نگرانی‌ها و تهدیدات مشترکی آبی که دو کشور سوریه و عراق در مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی دجله و فرات از ترکیه دارند در مواقعی باعث همگرایی بین این دو کشور شده است. بنابراین فرضیه دوم تحقیق قابل تأیید نیست. چون مجموعه امنیتی هیدروپلیتیک دجله و فرات نتوانسته است زمینه همکاری و همگرایی را در بین هر سه کشور حوضه ایجاد کند و این به خاطر برتری ژئوپلیتیکی و موقعیت بالادستی ترکیه در این حوضه است که در سایه این برتری هیچگونه نگرانی و تهدیدی در زمینه هیدروپلیتیک خود احساس نمی‌کند. اما فرضیه سوم که عبارت بود از اینکه: موضوع کردهای جنوب‌خاور ترکیه و سیاست‌های دوگانه سوریه و حمایت این کشور از گروه‌های مسلح کرد با انگیزه تحت فشار قرار دادن ترکیه، مهمترین اثرگذاری را بر پیچیدگی امنیتی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات داشته باشد، مورد تأیید می‌باشد. همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مهمترین عواملی که بر بار استراتژیک و بار امنیتی مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی حوضه دجله و فرات به میزان قابل توجهی افزوده است، ناشی از همین مسائل است.

با توجه به تجزیه و تحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیات پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد ترکیه، سوریه و عراق برنامه‌های توسعه‌ای خود را بدون تشریک مساعی و بدون توافق بر سر تقسیم آب با یکدیگر، پیش خواهند برد. برنامه‌های این سه کشور هدف‌های مشابهی دارد: کنترل منابع آب، تولید نیروی برق آبی، آبیاری مناطق خشک و نیمه‌خشک و توسعه صنایع. براساس یافته‌های بررسی این کشورها به خاطر شرایط متفاوت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی، تنها بر اساس ایده‌آل‌ها و انگیزه‌های متفاوت خود و بدون توافق با یکدیگر عمل می‌کنند. در نتیجه تنش بر سر آب حوضه هیدروپلیتیک دجله و فرات، احتمالاً به عنوان موضوع اصلی در چهارچوب روابط

خارجی این کشورها در ارتباط با هم، ادامه خواهد داشت، که در این صورت، مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی حوضه دجله و فرات برای کشورهای مزبور بیش از پیش ناامن و پرمخاطره خواهد بود.

نتیجه‌گیری

کشمکش‌های قومی و ایدئولوژیکی بین ترکیه، سوریه و عراق اغلب زمینه مشکلاتی شده که به انجام رسیدن هر گونه توافقی را با چالش روبه‌رو ساخته است. این شرایط ترکیه، سوریه و عراق را به بستری از کشمکش‌های پیچیده و بی‌پایان سوق می‌دهد. آنها وسواسانه به دنبال توسعه پروژه‌های بلندپروازانه با هدف دستیابی به آب بیشتر و توهم قدرت‌نمایی در منطقه هستند. فضای سیاسی پر از سوءتفاهم و افزایش وابستگی به منابع طبیعی در حوضه دجله و فرات، احتمال تقابل و ستیز را بالا می‌برد، مگر آنکه کشورهای پیرامون حوضه دجله و فرات به سوی رژیم مبتنی بر همکاری حرکت کنند و منافع خود را در امنیت آب، وابسته به یکدیگر بدانند، که با توجه به چالش‌های پیش‌روی آنها حتی امنیت مشترک در حوضه دجله و فرات به سختی می‌تواند بستر و زمینه لازم را برای همکاری سه کشور ترکیه، سوریه و عراق فراهم سازد. بنابراین، فضای سیاسی و امنیتی غالب بر مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی دجله و فرات حاکی از این است که: ۱. تقسیم آب دجله و فرات نیازمند ارزیابی دقیق نیازهای آبی کشورهای حاشیه این دو رودخانه است تا بتوان بر اساس آن سهم هر کشور را تعیین کرد. این موضوع نیز در اثر عدم صداقت کشورهای پیرامون این حوضه تاکنون ممکن نشده است؛ ۲. بر اساس برآورد مدزینی و ولف (۲۰۰۵)، آب کافی در سیستم دجله و فرات در تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی ترکیه، سوریه و عراق، حتی با وجود پروژه‌های آبی آنها تا سال ۲۰۲۵، وجود دارد. بهره‌برداری از آب‌های دجله و فرات به توانمندی سوریه و عراق نیز بستگی دارد. اما ادامه بهره‌برداری به شیوه کنونی در آینده با توجه به موانع زیست‌محیطی و نیز قوانین حقوقی مربوط به آن غیرممکن خواهد بود. با این همه مساله تقسیم آب نمی‌تواند در آینده باعث جنگ بین این سه کشور شود. در واقع قدرت عوامل سیاسی و اقتصادی این کشورها است که نقش جدی در تعیین سطح روابط بین آنها دارد. عراق و سوریه هیچ کدام در آینده نزدیک با مشکل آب برای توسعه پروژه‌های خود مواجه نیستند. با این حال این حقیقت نمی‌تواند ناتوانایی این دو کشور

را در تضمین امنیت غذایی خود حل کند. بنابراین چاره‌سازی کمبود آب بطور تناوبی و در دراز مدت متأثر از اقتصاد سیاسی جهان است. کشورهای حاشیه دجله و فرات در این مشکل با هم مشترک هستند، اما ادامه این مشارکت تنها بر اساس منافع هر یک از آنها می‌تواند بیان شود و گاهاً ادامه این تکروری‌ها برخوردهای متضاد و کشمکش را بین آنها به وجود می‌آورد؛ ۳. از آنجایی که بین کشورهای پیرامون رودخانه‌های دجله و فرات برنامه مشترکی برای توسعه و همکاری وجود ندارد و اقتصاد هر یک از آنها سعی در حل مشکلات به تنهایی و مستقل از کشورهای همسایه دیگر این حوضه است، از این رو، در آینده شاهد همکاری‌های اقتصادی و سیاسی نزدیک‌تر بین این کشورها نخواهیم بود؛ ۴. اصول حقوق بین‌الملل را احتمالاً نمی‌توان به عنوان پایه‌ای در روش تقسیم آب دجله و فرات در نظر گرفت. از این رو مبانی و ابزار حقوق بین‌الملل چندان در عمل کارایی ندارند و کشورهای پیرامون حوضه دجله و فرات به دنبال راهکارهای دیگری مانند قوانین بین‌الملل تجارت آب برای تقسیم آب هستند؛ ۵. مسأله تقسیم آب تفکر چیره بین کشورهای پایین دست حوضه مشترک است و این کشورها معمولاً این روش را راه‌حلی برای درمان مسأله تولید مواد غذایی در دو دهه گذشته و نیز در آینده می‌دانند.

Archive of SID

منابع

۱. حافظنیا، محمدرضا؛ نیکبخت، مهدی (۱۳۸۱)، آب و تنش‌های اجتماعی سیاسی، مطالعه موردی گناباد. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال هفدهم؛
۲. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، مشهد؛
۳. حب‌وطن، محمد (۱۳۸۲)، مسائل و مشکلات آبی بر سر منابع آب خاورمیانه و راه‌حل‌های پایدار در جهت توسعه پایدار، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران. ۷۴-۳۶؛
۴. کامران، حسن؛ حسینی‌امینی، حسن (۱۳۸۸)، رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر، فصلنامه جغرافیا، انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸؛
۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. انتشارات سمت، تهران؛
6. Hafeznia M., Nikbakht M. (2002), Water and tensions of Social-Political, Geography Research Quarterly.No 17;
7. Hafeznia M., (2006), principles and Concepts of Geopolitics, Tehran;
8. Hobbevan M., (2003), Future Problems on Water Resources in the Middle East and Sustainable Solutions for Sustainable Development, Center of Scientific Research and Middle East Strategic Studies, pp 36-74;
9. Mojtabezadeh P. (2002), politics Geography and Geopolitics, Tehran;
10. Adams, R.M. (2002), Water Security Policy :The Case of Turkey Near East South Asia Center for Strategic Studies NESAs. Washington DC : National Defence University <http://catalogue.nla.gov.au/Record>;
11. Allan, T., (2002), Middle East Water Question :Hydro politics and the Global Economy London :I.B.Tauris Publishers. [http:// books. Goggle. com/ books](http://books.Google.com/books);
12. Alnasrawi, A., (2001), Iraq :economic sanctions and consequences, 1990-2000 Third World Quarterly, Volume 22, Number 2, 1. pp. 205-218;
13. Alpay Sh.(2000),“After Ocalan.” Private View, International Quarterly Journal, Aquastat, FAO's Information System on Water and Agriculture. “Syria: Dams and Lakes”;
14. Berdal, A., (2001), “Dispensing with Tradition? Turkish Politics and International, Society during the Ozal Decade, 1983-93.” Middle Eastern Studies, 37 (1): 72-88;
15. Bershorner, N. (1992), Water and Instability in the Middle East Adelphi London :The International Institute for Strategic Studies,

- <http://catalogue.nla.gov.au/Record/2820100>;
16. Bulloch, J., and Darwish, A. (1993), *Water Wars Coming Conflicts in the Middle East*. London :Victor Gollancz [http:// books. google. Com/ books](http://books.google.com/books);
 17. Carkoglu, A., and Mine E. (2001), *Domestic Concerns and the Water Conflict over the Euphrates-Tigris River Basin*. *Middle Eastern Studies*, 37, 1 :country Profiles;
 18. Dinar, S., (2002), *Water, Security, Conflict and Cooperation*. *SAIS Review*, v 22, n 2 <http://muse.jhu.edu/login>;
 19. Dolatyar, M. (2002), *Hydropolitics: Challenging the Water-War Thesis*. *Conflict, Security & Development*, Volume 2, Issue 2 August 2002 , pages 115 – 124;
 20. Dolatyar, M., and Gray T.S. (2000), *Water Politics in the Middle East : A Context for Conflict or Co-operation*, New York :St. Martin's Press, Inc;
 21. Gleditsch, N.P., Furlong, K., Havard, H., Lacina, B., and Owe, T. (2006), *Conflicts over shared rivers :Resource scarcity or fuzzy boundaries*, *Political Geography*, 25 361-382, [www Elsevier .Com /locate/polgeo](http://www.Elsevier.Com/locate/polgeo);
 22. Green Cross International, (2000), *National Sovereignty and International Watercourses*. Report delivered at 2nd World Water Forum .The Hague, the Netherlands :Green Cross International;
 23. [http://www fao](http://www.fao.org), (2003), *Country Profiles and Mapping Information System*;
 24. [http://www. Global security.org](http://www.Globalsecurity.org), 2008;
 25. [http://:www.earthwatchers.org/karun](http://www.earthwatchers.org/karun) 2005;
 26. <http://www.fao.org/countryProfiles> FAO Country Profiles and Mapping Information System, 2003;
 27. [http://www.fao, 2003.org/ag/agl/aglw/aquastat/countries](http://www.fao.org/ag/agl/aglw/aquastat/countries);
 28. <http://www.fao.org/ag/agl/aglw/aquastat/countries/syria/index.stm>]. April 2003;
 29. [http://:www.gap.gov.tr/English/Ggbilgi /ghedef.html](http://www.gap.gov.tr/English/Ggbilgi/ghedef.html) 2009;
 30. Jaradat, A. A. (2003), *agriculture in Iraq: resources, potentials,*

- constraints and research needs and priorities. *Food, agriculture & environment*, V. 1(2). P. 160-166;
31. Working Group on Agriculture Morris, MN :NCSC Research Lab, ARSUSDA Agricultural Research Service-US Department of Agriculture;
 32. Kaski, A. (2005), *the Security Complex :Theory, Tool and Application : Security Complex as a Theoretical Approach to Regional Security*, *Political Science Journal*, 10;
 33. Kibaroglu, A. (2002), *Building a Regime for the Waters of the Euphrates-TigrisRiver Basin .International and National Water Law and Policy Series.The Hague, TheNetherlands :KluwerLaw International*;
 34. Kirisci, K. (1998), *the Kurkish Question and Turkish Foreign Polic*, *Private View International Quarterly Journal of TÜS-AD* (2)6;
 35. Kliot, N., (2005), *Water Resources and Conflict in the Middle East*.London :Rout ledge .www.odci.gov/cia/publications/factbook;
 36. Kolars, J.F., and Mitchell, W A., 1991, *the Euphrates River and the Southeast Anatolia Development Project .Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press*;
 37. Lowi, M.R., (1993), *Water and Power :The Politics of a Scarce Resource in the Jordan River Basin .Cambridge :Cambridge University Press . <http://books.google.com/books>*;
 38. Medzini. A and Wolf A. (2005), *The Euphrates River Watershed : Integration, Coordination, or Separation? In M .Finger, L. Tamiotti, and Jeremy Allouche, eds .The Multi-Governance of Water :Four Case-Studies Albany, NY :SUNY Press*;
 39. Pittman, K. (2004), *Beyond Conflict and Cooperation :Hydropolitics in the Nile Basin MA Thesis.Concordina University Montreal, Quebec, Caneda*;
 40. Postel, S. (1992), rev. (1997), *Last Oasis: Facing Water Scarcity* (New York: W.W. Norton). <http://books.google.com/books>;
 41. Republic of Turkey, *the Water Problem in the Middle East :Water*

- Disputes in the Euphrates–Tigris Basin. Ministry of Foreign Affairs, Foreign Policy, Water Issues between Turkey, Syria and Iraq . www.mfa.gov.tr/grupa/ad/adg/adgb/Chap1c.htm 2009;
42. Shapland, G. (1997). *Rivers of Discord: International Water Disputes in the Middle East*, Palgrave Macmillan, Hampshire UK. Scientific Indian (2005), who writes history? Available from: [www.Thescian.Com/Blog/ In, Issue: Sunday, February 6, 2005](http://www.Thescian.Com/Blog/In,Issue:Sunday,February6,2005);
43. Tahiri, H. (2003), the Kurdistan Republic of 1946.” *Kurdish Media* . www.kurdishmedia.com;
44. Turton, A.R. (2001), A Hydro political Security Complex and its Relevance to SADC. In *Conflict Trends*, Issue 1/2001; 21–23;
45. Turton, A.R. (2002), an Introduction to the Hydro political Dynamics of the Orange River Basin .Chapter in a forthcoming book as yet untitled. Tokyo :United Nations University Press;
46. Warner, J. (2008), Contested Hydro hegemony: Hydraulic Control and Security in Turkey. *Water Alternatives* 1, 2 .[www .water-alternatives.org](http://www.water-alternatives.org);
47. Wolf, A.T., (1999), Criteria for Equitable Allocations :The Heart of International Water Conflict .*Natural Resources Forum*, Vol. 23 #1, February, pp. 3-30;
48. Wolf, A.T., and Newton, J.T., (2008), Case Study Tran boundary Dispute Resolution :the Tigris–Euphrates basin .Oregon State;
49. <http://www.transboundarywaters.orst.edu/documents/indigenous>;
50. Zeitoun, M., and Warner, J., (2006), Hydro –hegemony A fromeworke for analysis of transboundry water conflict. *Water policy*, 8, 435– 460.